

«اختاپوسی» به‌نام فوتبال «وووز لایی» به‌نام کارتون



◀ حسین کریمی‌زاده



شاید آن دسته از انسان‌های نخستین که روی پروژه غنی‌سازی سنگا (برای هرچه بهتر مدور کردنش) از هیچ تلاشی دریغ نکردند، به ذهن‌شان خطور نمی‌کرد این فرم گرد و قلنبه‌ای که با تلاش شبانه‌روزی به آن دست یافته‌اند، علاوه بر ایجاد حرکت و انرژی و در پی آن، تحول در صنعت جهان قرن‌ها بعد، میلیون‌ها انسان را سر کار بگذاردا همان‌طور که میراث مکتوب تمدن چین کهن نزدیک به ۲۵۰۰ سال قبل نوعی بازی با اشیای کروی‌شکل را ثبت کرده است، و نیز دیوارنگاره‌های به‌جا مانده از تمدن مصر، انسان‌ها را سرگرم یک نوع بازی شبیه بازی فوتبال نشان می‌دهد، همچنین در تاریخ یونان باستان نیز بازی «پیس کیوروس» که در زمان خود رواج فراوانی داشته و بسیار به فوتبال امروزی شبیه بوده، به چشم می‌خورد.

اما سرچشمه فوتبال مدرن به سده نوزدهم میلادی بازمی‌گردد؛ انگلیسی‌ها – که از بدو تاریخ تبحر فراوانی در سر کار گذاشتن مردم از خودشان نشان داده‌اند – این‌بار هم نخستین کسانی بودند که با آن فرم کروی‌شکل، دو گروه یازده‌نفره را رودرویی یکدیگر قرار داده و به واسطه آن برای سرگرم کردن جماعتی نظاره‌گر بهره بردند.

شاید بتوان به طنز گفت مبتکران این حرکت که از کشش و جذابیت آن آگاه شده بودند، نام «Foot the bill» را برای آن برگزیدند یعنی «هزینه پرداخت کن!» و ببین. و شاید بتوان این‌طور برداشت کرد که این نام، نوعی چاب‌دستی اقتصادی برای پوشش هزینه‌های احتمالی آن بوده است؛ و شاید در نهایت بتوان این‌طور برید و دوخت که این واژه طی سالیان سال و در زبان محاوره‌ای به «Football» تبدیل شده است.

گویی این پدیده (که چیزی نبود جز تلاش سرسختانه یک عده، برای تصاحب یک گوی و چپاندن آن در تور تیم حریف) چنان مقبول افتاد که چندین سال بعد (در ۱۹۳۰) کشور اروگوئه میزبان مسابقاتی از این دست در شکل جهانی آن شد، و خود نیز به مقام قهرمانی همان دوره نائل آمد.

اما این، یک وجه ماجراست؛ ورزش «هزینه پرداخت کن» یا «فوتبال» همانند سایر

پدیده‌ها که به سادگی و با اهدافی سرگرم‌کننده یا بشردوستانه پا به عرصه وجود گذاشته و چندی بعد، از فضایی لایبرنتیک و مافیایی سردمی‌آورد، امروزه عنوان «تجارت فوتبال» را بیشتر زبینه خود می‌داند تا «ورزش فوتبال». خرید و فروش کالاهای مرتبط و حتی غیرمرتبط؛ از اقلامی نظیر تی‌شرت و توپ و کفش‌های کتانی گرفته تا تلویزیون‌های ال‌سی‌دی و ال‌ای‌دی و گوشی‌های موبایل و ژل‌های لاغری و اصلاح و خوشبوکننده‌های زیر بغل(! بازار داغ شرکت‌های هواپیمایی و تورهای ورزشی، صنعت تبلیغات گسترده رسانه‌ای و محیطی، رونق سرسام‌آور اپراتورهای مخابراتی، خرید و فروش بازیکنان که تا مرز مبالغ ۹رقم یورویی هم رشد کرده است، قراردادهای گردن‌کلفت مربیان و باشگاه‌های ورزشی و دلالان مربوطه ... و... همگی موبید این نکته هستند.

در جام جهانی فوتبال ۲۰۱۰ آفریقای جنوبی نیز جهان پاپ‌کورن به‌دست خیره به مانیتور، یک بار دیگر سرگرم دنبال کردن سرنوشت ۳۲تیم راه‌یافته به رقابت‌ها بود که ناگاه سونامی تجاری کارت‌ل‌ها و برندهای متعدد، هر آنچه در جیب داشتند شست و برد. برندها را دیگر باید حاشیه‌های مهم‌تر از اصل دانست، چرا که فوتبال دیگر یک بهانه است و صاحبان صنایع بزرگ از اعتراف به آن هیچ ابایی ندارند؛ طرفه آنکه سخنگوی شرکت خودروسازی هیوندای موتورز (اسپانسر بازی‌های ۲۰۱۰ فیفا) در گفت‌وگویی رسانه‌ای می‌گوید: «انتظار داریم از این رویداد جهانی، سودهای کلانی به دست آوریم.» و برای توجیه این سودجویی بی‌محابای هیوندایی اضافه می‌کند: «بخشی از سود خود را با اهدای یک میلیون توپ فوتبال به کودکان فقیر پنجاه کشور آفریقایی تقسیم خواهیم کرد.» بد نیست به دهان‌کچی جناب نیل فن‌شلکیک –پدر آلودگی صوتی جام جهانی؛ و مخترع ووووزلا – نیز توجه کنیم. او در جواب انتقادهای بی‌شمار از صدای ناهنجار این شیپور پلاستیکی که تا اتاق نشیمن تک‌تک خانه‌های جهان نیز گسترش یافته بود، می‌گوید: «متأسفم از اینکه محصول تولیدی من به تیم‌ها اجازه نمی‌دهد آن‌طور که می‌خواهند، موفق شوند.» اما از طرفی باید به روش زندگی و نوع جشن گرفتن علاقه‌مندان حاضر در استادیوم احترام گذاشت.» و درباره گردش مالی حاصل از فروش این شیپور، با لینخد رضایت‌بخشی اضافه می‌کند: «ارم ثروتمند می‌شوم!» اینها را به عنوان مشنت نمونه خروار دنیای امروز فوتبال دانسته باشید؛ حاشیه‌های خرافی این ورزش را هم به آن اضافه کنید، که مجال پرداختن به آن نیست اما نمونه بارز آن را همه ما می‌شناسیم: پل –هشت‌پا و نوستراداموس دریایی آلمانی! – که به تازگی بابت پیشگویی‌هایش از طرف مسوولان شهری کارپایه‌نوی اسپانیا، لقب شهروند افتخاری این شهر، و از طرف تعدادی تاجر اسپانیایی پاداشی را به مبلغ ۴هزار یورو دریافت کرده است.

دوره در کنار رشد چشمگیر جریان‌ات سودآور فوتبال، کیفیت رقابت‌ها افت مشهودی دارند که از آن جمله می‌توان به ترتیب به ۸۰، ۷۸،

۷۵، و ۶۷ گل به ثمر رسیده در ۳۲ بازی اول سال‌های ۱۹۹۸، ۲۰۰۲، ۲۰۰۶، و ۲۰۱۰ جام جهانی اشاره کرد.

درست است که عملکرد تیم‌های درگیر بازی‌های فوتبال در هر نوبت، از زیر نگاه‌های تیزبین چهار داور زبیده عبور می‌کرد اما داورهای پنجمی بودند که در خانه و پشت میز کارشان قلم برداشته، شالوده رقابت‌های جام جهانی را به چالش کشیده و با ووووزلای خود چرت مدهوشان عالم فوتبال را می‌پراندند. کارتون‌یست‌ها در این مدت بیکار نبودند و تا می‌توانستند تکل‌هایی را از مرزهای فرهنگی و بومی خود گرفته تا مرزهای بین‌المللی، بر بدنه این ورزش پرترفدار و پرحاشیه وارد می‌کردند. نشریات کاغذی و الکترونیکی بسیاری را می‌توان سراغ گرفت که پذیرای آثار هنرمندان منتقد عرصه کارتون و کاریکاتور بوده‌اند. در این بین اما ابتکار خانم لیزا دانللی امریکایی تبار – کارتون‌یست سرشناس نیویورک – قابل توجه بود؛ او از تعدادی از همکاران خود در سراسر جهان خواسته بود یک تعریف تصویری از فرهنگ فوتبالی کشورشان ارائه دهند و از طریق ای‌میل به اشتراک بگذارند. در این کارزار آنجل بولیگان – کارتون‌یست برجسته مکزیکي – طرحی ارائه می‌دهد که در آن، یکی از طرفداران فوتبال را روی میل و در میان انبوهی از زباله‌های نقلات، خوراکی‌ها و نوشیدنی‌ها مقابل تلویزیون نشاندۀ رسانه‌ای می‌گوید: «انتظار داریم از این رویداد جهانی، سودهای کلانی به دست آوریم.» و برای توجیه این سودجویی بی‌محابای هیوندایی اضافه می‌کند: «بخشی از سود خود را با اهدای یک میلیون توپ فوتبال به کودکان فقیر پنجاه کشور آفریقایی تقسیم خواهیم کرد.» بد نیست به دهان‌کچی جناب نیل فن‌شلکیک –پدر آلودگی صوتی جام جهانی؛ و مخترع ووووزلا – نیز توجه کنیم. او در جواب انتقادهای بی‌شمار از صدای ناهنجار این شیپور پلاستیکی که تا اتاق نشیمن تک‌تک خانه‌های جهان نیز گسترش یافته بود، می‌گوید: «متأسفم از اینکه محصول تولیدی من به تیم‌ها اجازه نمی‌دهد آن‌طور که می‌خواهند، موفق شوند.» اما از طرفی باید به روش زندگی و نوع جشن گرفتن علاقه‌مندان حاضر در استادیوم احترام گذاشت.» و درباره گردش مالی حاصل از فروش این شیپور، با لینخد رضایت‌بخشی اضافه می‌کند: «ارم ثروتمند می‌شوم!» اینها را به عنوان مشنت نمونه خروار دنیای امروز فوتبال دانسته باشید؛ حاشیه‌های خرافی این ورزش را هم به آن اضافه کنید، که مجال پرداختن به آن نیست اما نمونه بارز آن را همه ما می‌شناسیم: پل –هشت‌پا و نوستراداموس دریایی آلمانی! – که به تازگی بابت پیشگویی‌هایش از طرف مسوولان شهری کارپایه‌نوی اسپانیا، لقب شهروند افتخاری این شهر، و از طرف تعدادی تاجر اسپانیایی پاداشی را به مبلغ ۴هزار یورو دریافت کرده است.

دوره در کنار رشد چشمگیر جریان‌ات سودآور فوتبال، کیفیت رقابت‌ها افت مشهودی دارند که از آن جمله می‌توان به ترتیب به ۸۰، ۷۸، ۷۵، و ۶۷ گل به ثمر رسیده در ۳۲ بازی اول سال‌های ۱۹۹۸، ۲۰۰۲، ۲۰۰۶، و ۲۰۱۰ جام جهانی اشاره کرد. درست است که عملکرد تیم‌های درگیر بازی‌های فوتبال در هر نوبت، از زیر نگاه‌های تیزبین چهار داور زبیده عبور می‌کرد اما داورهای پنجمی بودند که در خانه و پشت میز کارشان قلم برداشته، شالوده رقابت‌های جام جهانی را به چالش کشیده و با ووووزلای خود چرت مدهوشان عالم فوتبال را می‌پراندند. کارتون‌یست‌ها در این مدت بیکار نبودند و تا می‌توانستند تکل‌هایی را از مرزهای فرهنگی و بومی خود گرفته تا مرزهای بین‌المللی، بر بدنه این ورزش پرترفدار و پرحاشیه وارد می‌کردند. نشریات کاغذی و الکترونیکی بسیاری را می‌توان سراغ گرفت که پذیرای آثار هنرمندان منتقد عرصه کارتون و کاریکاتور بوده‌اند.

در این بین اما ابتکار خانم لیزا دانللی امریکایی تبار – کارتون‌یست سرشناس نیویورک – قابل توجه بود؛ او از تعدادی از همکاران خود در سراسر جهان خواسته بود یک تعریف تصویری از فرهنگ فوتبالی کشورشان ارائه دهند و از طریق ای‌میل به اشتراک بگذارند. در این کارزار آنجل بولیگان – کارتون‌یست برجسته مکزیکي – طرحی ارائه می‌دهد که در آن، یکی از طرفداران فوتبال را روی میل و در میان انبوهی از زباله‌های نقلات، خوراکی‌ها و نوشیدنی‌ها مقابل تلویزیون نشاندۀ رسانه‌ای می‌گوید: «انتظار داریم از این رویداد جهانی، سودهای کلانی به دست آوریم.» و برای توجیه این سودجویی بی‌محابای هیوندایی اضافه می‌کند: «بخشی از سود خود را با اهدای یک میلیون توپ فوتبال به کودکان فقیر پنجاه کشور آفریقایی تقسیم خواهیم کرد.» بد نیست به دهان‌کچی جناب نیل فن‌شلکیک –پدر آلودگی صوتی جام جهانی؛ و مخترع ووووزلا – نیز توجه کنیم. او در جواب انتقادهای بی‌شمار از صدای ناهنجار این شیپور پلاستیکی که تا اتاق نشیمن تک‌تک خانه‌های جهان نیز گسترش یافته بود، می‌گوید: «متأسفم از اینکه محصول تولیدی من به تیم‌ها اجازه نمی‌دهد آن‌طور که می‌خواهند، موفق شوند.» اما از طرفی باید به روش زندگی و نوع جشن گرفتن علاقه‌مندان حاضر در استادیوم احترام گذاشت.» و درباره گردش مالی حاصل از فروش این شیپور، با لینخد رضایت‌بخشی اضافه می‌کند: «ارم ثروتمند می‌شوم!» اینها را به عنوان مشنت نمونه خروار دنیای امروز فوتبال دانسته باشید؛ حاشیه‌های خرافی این ورزش را هم به آن اضافه کنید، که مجال پرداختن به آن نیست اما نمونه بارز آن را همه ما می‌شناسیم: پل –هشت‌پا و نوستراداموس دریایی آلمانی! – که به تازگی بابت پیشگویی‌هایش از طرف مسوولان شهری کارپایه‌نوی اسپانیا، لقب شهروند افتخاری این شهر، و از طرف تعدادی تاجر اسپانیایی پاداشی را به مبلغ ۴هزار یورو دریافت کرده است.

دوره در کنار رشد چشمگیر جریان‌ات سودآور فوتبال، کیفیت رقابت‌ها افت مشهودی دارند که از آن جمله می‌توان به ترتیب به ۸۰، ۷۸، ۷۵، و ۶۷ گل به ثمر رسیده در ۳۲ بازی اول سال‌های ۱۹۹۸، ۲۰۰۲، ۲۰۰۶، و ۲۰۱۰ جام جهانی اشاره کرد.

درست است که عملکرد تیم‌های درگیر بازی‌های فوتبال در هر نوبت، از زیر نگاه‌های تیزبین چهار داور زبیده عبور می‌کرد اما داورهای پنجمی بودند که در خانه و پشت میز کارشان قلم برداشته، شالوده رقابت‌های جام جهانی را به چالش کشیده و با ووووزلای خود چرت مدهوشان عالم فوتبال را می‌پراندند. کارتون‌یست‌ها در این مدت بیکار نبودند و تا می‌توانستند تکل‌هایی را از مرزهای فرهنگی و بومی خود گرفته تا مرزهای بین‌المللی، بر بدنه این ورزش پرترفدار و پرحاشیه وارد می‌کردند. نشریات کاغذی و الکترونیکی بسیاری را می‌توان سراغ گرفت که پذیرای آثار هنرمندان منتقد عرصه کارتون و کاریکاتور بوده‌اند.



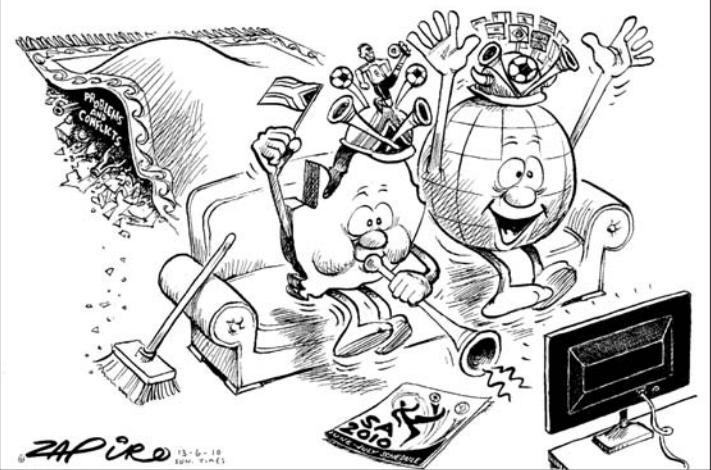
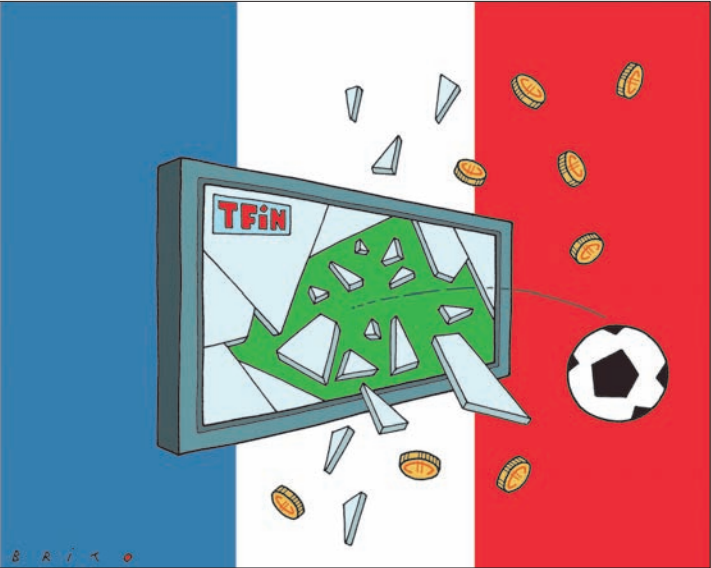
کارتون‌یست‌ها در این مدت بیکار نبودند و تا می‌توانستند تکل‌هایی را از مرزهای فرهنگی و بومی خود گرفته تا مرزهای بین‌المللی، بر بدنه این ورزش پرترفدار و پرحاشیه وارد می‌کردند. نشریات کاغذی و الکترونیکی بسیاری را می‌توان سراغ گرفت که پذیرای آثار هنرمندان منتقد عرصه کارتون و کاریکاتور بوده‌اند.

اما در پایان، کارولین روتز فرانسوی در طرحی سه‌مرحله‌ای با عنوان «ریتم جاری در آفریقا» با اشاره تلویحی به صدای گوش‌خراش ووووزلا، تعدادی از حیوانات بومی آفریقایی را کشیده است که از این صدا جان به لب نداده‌اند، اما در این میان تنها حیوانی که خوشحال است خوک اقتصاد فیفاست.

بله. خوک اقتصاد جهان هنگام نزدیک شدن به رقابت‌های مختلفی نظیر جام جهانی فوتبال از خوشحالی در پوست خود نمی‌گنجد. این واقعیت نامحسوس، نه گفته نگارنده، که در بطن یکایک راه‌های کارتون‌یست‌ها، که با نگاه موشکافانه خود به آن دست پیدا کرده‌اند هویداست. هر کدام از طرح‌های ذکرشده در بالا نظر خاص خود را دارند اما فصل مشترک تمامی آنها نمایش لایه‌های پنهان فوتبالیسم در دنیای کنونی است.

◀ در این مطلب از نقل قول‌هایی بهره بردم که مربوط به هفته‌نامه «نارنجی» است. طرح‌ها با اجازه صاحبان آثار در اینجا منتشر می‌شود و تکثیر آنها در انحصار شخص **طراح یا سایت‌هایی نظیر اینهاست:

www.zapiro.com
www.boligan.com
www.lizadonnelly.com
www.lemonde.fr



◀ گفت‌وگو با
یادداشتی بر ظهور و نقش کاریکاتور ورزشی در پرسیاقه‌ترین نشریه ورزشی ایران
حسرت‌های جام جهانی



جام جهانی ۲۰۱۰ هم تمام شد و حسرت آن به دل مردم فوتبال‌دوست ما... مثل خیلی حسرت‌های دیگر که خوشبختانه چون آدم‌های فراموشکاری هستیم این را هم فراموش می‌کنیم. یادم هست در سال ۱۳۵۰ که روزنامه فکاهی، سیاسی «توفیق» توقیف شد و کاریکاتور‌یست‌های آن پراکنده شدند من هم به‌خاطر علاقه‌ای که به ورزش داشتم به «کیهان ورزشی» تنها نشریه ورزشی آن زمان رفتم و پیشنهاد یک صفحه کاریکاتور ورزشی را دادم که تا آن زمان به آن شکل وجود نداشت که از همان سال تا به امروز هم که حدود ۴۰ سالی می‌شود بدون وقفه ادامه داشته است. در آن زمان که کشیدن کاریکاتور ورزشی را شروع کردم اکثراً رئیس سازمان ورزش را نمی‌شناختمند و کسی به مسائل حاشیه‌ای ورزش، ورزشکاران و کمبودها یا طنز و کاریکاتور نپرداخته بود، به هر حال چون برای اولین بار این اتفاق در ایران افتاده بود خیلی مورد استقبال مردم قرار گرفت و من هم خوشحال بودم که می‌توانم از طریق کاریکاتور خیلی از مسائل و کمبودها و کم‌کاری‌ها را در ورزش برای مردم رو کنم. البته بعد نشریات ورزشی زیاد شد و دوستانی هم که علاقه‌ای به ورزش داشتند به کمک من آمدند و شروع کردیم به گفتن و کشیدن. البته کاریکاتور دردها، کمبودها، کم‌کاری‌ها و...

حالا ۴۰ سال از شروع آن صفحه می‌گذرد و هنوز من و دوستانم داریم دردها را می‌کشیم و می‌گوییم و هنوز هم گوش شنوایی نیست چون هرگز از هیچ اتفاقی درس نگرفتیم، چون فقط به‌ظاهر توجه کردیم و فقط به دنبال هوچی‌بازی بودیم. جام جهانی ۲۰۱۰ که می‌توانست برای مری ما، بازیکن‌های ما، مسوولان ما و حتی تماشاچی‌های ما آموخته‌هایی داشته باشد به همین جا خاتمه پیدا کرد که سرمایه‌داران ما «ووووزلا» وارد کنند و تماشاچیان فوتبال ما درش بدمند. حالا فقط باید بگردیم به دنبال یک حیوان که برامان مثل هشت‌پای معروف مسابقات‌مان را پیشگویی کند اگرچه که ما در ورزش کم‌هشت‌پا (اختاپوس) نداریم که البته پیشگویی نمی‌کنند، کارشان فقط زدن ریشه ورزش و پر کردن جیب‌های خودشان است.



تمام پیشگویی‌های هشت پای معروف در جام جهانی درست از آب درآمد حتی قهرمانی اسپانیا

– مگه چی ارزش خواستی که اینطور بهم ریخت؟
– هیچی به خدا فقط بهم گفتن آینده تیم ملی ما رو با این مربی چطور پیش‌بینی می‌کنی

مسابقه روزانه کاریکاتور در نخستین جشنواره مشارکت شهروندی و خدمات شهری ۱۰مرداد ۱۳۸۹ در تهران آغاز شده است. از بخش‌های جذاب این جشنواره، غرفه «کاریکاتور» است که زیرمجموعه اداره کل امور خدمات شهری، روزانه پذیرای علاقه‌مندان به این هنر است. در غرفه کاریکاتور هر روز با حضور دو تن از کارتون‌یست‌های ایرانی، ورک‌شاپ و گفت‌وگوی چهره به چهره برگزار می‌شود. مسابقه روزانه کاریکاتور از مهم‌ترین برنامه‌های این غرفه است که در پایان با داوری کارتون‌یست‌های نام‌آشنا، داوری شده و به دو تن از بردگان، جوایز ارزشمندی اهدا خواهد شد. این جشنواره که تا روز جمعه ۱۵ مردامده ادامه خواهد داشت، از ساعت ۶بهارظهر تا ۱۲ شب در پارک گفت‌وگو، محل دائمی نمایشگاه‌های دائمی و تخصصی شهرداری تهران پذیرای علاقه‌مندان خواهد بود. جمال رحمتی، امین مودی، فیروزه مظفری، آروین، بزرگمهر حسین‌پور، سلمان طاهری، حسین صافی، یحیی تدین، کیوان زرگری، علی درخشی، جواد علیزاده و هادی حیدری کارتون‌یست‌هایی هستند که در روزهای برگزاری، در محل غرفه حاضر شده و به داوری آثار کاریکاتور بازدیدکنندگان خواهند پرداخت.

▶ محکومیت تهدید علیه کارتون‌یست‌ها
۱۹ کارتون‌یست برنده جایزه پولیتزر با امضای درخواستی تهدیدات علیه سایر کارتون‌یست‌ها را که زندگی آنان در موقعیت خطرناکی قرار گرفته است محکوم کرده‌اند. نسخهای از این درخواست برای شبکه بین‌المللی مدافع حقوق کارتون‌یست‌ها معروف به «سی‌آران‌آی» نیز ارسال شده و اکنون در آدرس <http://cartoonistrights.com> برای پیوستن سایر کارتون‌یست‌ها به آن قابل دسترسی است.

▶ «جان کلاهان» درگذشت
«جان کلاهان» کارتون‌یست افلیج امریکایی در ۵۹ سالگی درگذشت. «جان کلاهان» به خاطر کارتون‌های سیاسی‌اش شهرت فراوانی را در مطبوعات امریکا کسب کرده است. کلاهان در اثر یک تصادف اتومبیل که در ۲۱ سالگی و در سال ۱۹۷۲ رخ داد به سختی آسیب دید و نیمی از بدن او فلج شد. او از آن زمان آثار خود را بر روی ویلچر خلق کرده است. آثار کارتونی این هنرمند به‌خاطر دفاع از محرمانی جامعه امریکا و مخالفت با سیاست‌های سیستم حاکم از اعتبار زیادی برخوردار بوده است. طنزهای «کلاهان» در هر زمینه‌ای بسیار خاص و نو است.

▶ تولد یکی از شخصیت‌های بزرگ کارتونی
در چنین روزهایی (۲۷ جولای ۱۹۴۰) یکی از شخصیت‌های دنیای انیمیشن (باگز بانی) توسط «لئون شلزینر» به دنیای کارتون‌ها و انیمیشن‌ها معرفی شد. «باگز بانی» یکی از شخصیت‌های کارتون‌های امریکایی در سریال‌های Looney Tunes و Merrie Melodies است. حالا او به یکی از بزرگ‌ترین ستاره‌های دنیای انیمیشن در دنیا تبدیل شده که طرفداران بسیاری از تمام نقاط جهان دارد. عصر طلایی انیمیشن امریکایی دوره‌ای در تاریخ انیمیشن است که با ظهور کارتون‌های با کلام در سال ۱۹۲۸ آغاز شد، در اواسط دهه ۱۹۴۰ به اوج خود رسید و تااوایل دهه ۱۹۶۰ که انیمیشن‌های کوتاه سینمایی جای خود را به رسانه جدید انیمیشن‌های تلویزیونی داد، ادامه داشت. بسیاری از شخصیت‌های به‌یادماندنی در این دوره پدید آمدند مثل میکی‌ماوس، دالدو، داک، گوفی، باگز بانی، وودی وودپکر و تام و جری.

